

بررسی وضعیت دفاعی استان‌های مرزی در آستانه جنگ تحمیلی در گفت‌وگو با یک محقق حوزه دفاع مقدس

۳۲ دژ مرزی از شلمچه تا کوشک را پوشش می‌دادند



طول، عمیق و غریض بود. طول این کانال حدود ۳۰ کیلومتر، عرض یک کیلومتر و عمقش به حدی بود که می‌شد با قایق روی آن تردد کرد. یعنی‌ها به همین کنال نیز بسنده نکرده و کنار کانال، دژهای مستحکمی ایجاد کرده بودند. همچنین کانال زوجی نیز هشت کیلومتر طول و ۴۰ متر عرض داشت. این کانال در دور دیف بود، بنابراین به آن زوجی می‌گفتند.

ایران هم در نوار مرزی شلمچه ۳۲ دژ احداث کرده بود که

طول این کانال حدود ۳۰ کیلومتر، عرض یک کیلومتر و عمقش به حدی بود که می‌شد با قایق روی آن تردد کرد. یعنی‌ها به همین کانال نیز بسنده نکرده و کنار کانال، دژهای مستحکمی ایجاد کرده بوند. همچنین کانال زوجی نیز هشت کیلومتر طول و ۴۰ متر عرض داشت. این کانال در دو ردیف بود، بنابراین به آن زوجی می‌گفتند.

خاطره‌ای از دوران دفاع مقدس در گفت‌وگو با یک رزمنده

کلاه منگوله‌داری که شهادت را از من گرفت!

سایله انجام داد. یعنی‌ها قصد داشتند تا دوباره شهر بستان را تصرف کنند، اما با رشادت تپه‌های کر بلا به فرماندهی سردار مرتضی قربانی، نجف به فرماندهی شهید احمد کاملسی و همین طور تپ امام حسین(ع) به فرماندهی شهید حسین خرازی، دشمنن تا تنگه چذابه به عقب رانده شد، اما یعنی‌ها به این راحتی‌ها میدان را خالی نکردند. همچنان با اعزام نیروهای تکاور خود در تپه‌های نیب مقاومت می‌کردند. در این شرایط مأموریت تپ امام حسین(ع) در مرحله اول، حمله به دشمن و تصرف تپه‌های نیبه بود. آتش توپخانه، کاتپوشا، ادوات خصوصا خمپاره‌های ۱۲۰، کالیبر، تیربارها و قناسه‌های دشمن بسیار سنگین، دائمی و شبانه‌روزی بود! لحظه‌ای در شبانه‌روز صدای به زمین خوردن گلوله‌ها قطع نمی‌شد. سوی دود و

تیربارهای دائمی!

با آزدسازی شهر بستان و تنگه چذابه در آذر سال ۱۳۶۰ طی عملیات طریق القدس، دشمنن یعنی ضدحمله‌های سنگینی را در تنگه چذابه و پل



■ **زمستان سخت**

بهمن ۱۳۶۰ همچنان با دشمنن در منطقه چذابه درگیر بودیم. به لطف خدا مرحله اول عملیات در

تپه‌های نیبه با دور زدن دشمنن و تصرف تپه‌های رملی با موفقیت انجام شد، اما به دلیل آتش بسیار سنگین دشمن تعداد زیادی از دوستان ما در تنگه چذابه به شهادت رسیدند. نهایتاً با مقاومت و رشادت گردان‌های تپ امام حسین(ع)، مواضع در هفته و مرحله اول عملیات تثبیت شد.

در این شرایط تدارکات و پشتیبانی به سختی با نگر نبرهای بی‌ام‌بی صورت می‌گرفت و پیکر پاک شهدا و زخمی‌ها با نگر نر به عقب منتقل می‌شد. به دستور فرماندهی لشکر باید برای انجام مرحله دوم عملیات خودمان را آماده می‌کردیم. زمستان هوا سرد و بارانی بود. علاوه بر باران، باد سردی از روی ماسه‌ها می‌وزید و صورت‌های ما را حسایی نوازش می‌داد. تک تیراندازان یعنی مثل باران، با قناسه کل منطقه را پوشش می‌دادند و به محض تکان خوردن و بالا و پایین رفتن بچه‌ها از یال تپه‌ها اقدام به شلیک می‌کردند.

■ **کلاه پشمی**

در آن زمان من یک کلاه پشمی گرم رنگ اندامی

بود. همچنین نیروهای سپاه و بسیج و عشایر و تیم‌هایی از هوآنیروز در جبهه ایلام استقرار داشتند.

■ **ارتفاعات کرمانشاه و یگان‌های حاضر**

کرمانشاه بیش از ۲۶۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد. بعد از جبهه جنوب که شامل خوزستان و بخشی از ایلام می‌شد، کرمانشاه بیشترین اهمیت را برای عراق داشت، چراکه از منطقه مرزی سومار، نزدیک‌ترین راه به بغداد را داریم و یعنی‌ها برای اینکه یک حاشیه امنیتی برای خودشان ایجاد کنند، نیاز داشتند که در کرمانشاه مناطق مرزی را تصرف کنند. البته در مورد وضعیت دفاعی کرمانشاه نمی‌شود سخن گفت، مگر اینکه به ارتفاعات آنجا اشاره کرد. از ارتفاعات اق داغ گرفته تا ۳ و ۳ از لشکر ۸۱ در مناطقی مثل نفت‌شهر و سومار مستقر بودند. تپ ۲ زرهی هم در باوه و نوسود بود. گردان زرهی ۲۸۵ هم پنج روز بعد از شروع جنگ به گیلانغرب اعزام شد. در این استان نیروهای سپاه در مناطقی مثل سرپل ذهاب و قصر شیرین بسیار فعال بودند. از پاسدارهای همدان گرفته تا نیروهایی از تهران و دیگر مناطق کشور به اینجا آمده بودند تا از در برابر دشمن مقاومت کنند.

■ **نقشه دشمن برای کردستان**

در کردستان پیش از شروع رسمی جنگ تحمیلی، درگیری با ضد انقلاب به شدت ادامه داشت. در این استان ارتش عراق بیشتر قصد داشت تا نیروهای نظامی ما را همچنان درگیر و زمین گیر مبارزه با میمک در استان ایلام به عنوان یکی از مناطقی که ادعا می‌کردند متعلق به آنهاست، نظر خاصی داشتند. اما در زمان حمله یعنی‌ها به ایلام، آنجا تپ دوم زرهی لشکر ۹۲ و همین طور تپ یک لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه مستقر شده بودند.

مردم را به سر می‌گذاشتم. این کلاه نقاب‌دار بود، یعنی یک منفذی وسطش داشت که می‌شد کلاه را هم روی سر کشید و هم روی صورت و از طریق این منفذ نفس کشید. این کلاه‌ها منگوله‌ای داشت. یک روز از شدت سرما کلاه‌م را روی سرم کشیده بودم. به دلیل فعالیت و جنب و جوش زیاد در تپه‌ها، هرازگاهی کلاه را از سر برمی‌داشتم تا هوایی به سرم بخورد. یکبار با برداشتن کلاه و نگاه کردن به منگوله آن چیزی دیدم که برایم بسیار عجیب آمد. تک تیرانداز ماهر عراقی گلوله‌ای را به طرف من شلیک کرده بود و این گلوله دقیقاً به قسمت پایین منگوله خورده و آن را سوراخ کرده بود. اشتباه از تک تیرانداز نبود، بلکه من سعادت شهادت نداشتم، چراکه او به خوبی نشانه گرفته و به موقع شلیک کرده بود. خوب که نگاه کردم دیدم جای ورود و خروج گلوله کمی سوخته شده و منگوله کلاه را سوراخ کرده است! در آنجا بود که متوجه شدم که شهادت در راه خدا تصادفی نیست، بلکه هدیه‌ای است که خداوند متعال نصیب و قسمت بندگان خاص و شایسته خود می‌کند.

روایت



برشی از کتاب «عصر روز سوم»

زندگی‌نامه داستانی مهندس شهیدمحمد مظهر حجی

شهادت

۳ روز بعد از خواستگاری

■ **داود جعفری**

متن زیر برشی از کتاب **عصر روز سوم**، زندگی‌نامه شهید **محمد مظهر حجی** است که **شهر شهریور سال ۱۶۰ آسمانی** شد.

■ ■ ■

محمد سه روز پس از رفتن به خواستگاری و در روز ۱۱ شهریور سال ۶۰ در منطقه عملیاتی «بستان»، در حال قنوت نماز مغرب از سوی تانکی هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. از محمد تنها سر، نیم‌تنه بالا، دو دست و قسمتی از سینه باقی ماند. محمد مظهر حجی نخستین روز از بهار ۱۳۳۲ در شهر مشهد مقدس متولد شد. دوره ابتدایی را با موفقیت و زیر سایه مهر پدر و مادری مهربان پشت‌سر گذاشت.

در ۱۶ سالگی مادرش را از دست داد. بعد از چند روز به دبیرستان «نصرت ملکی» مشهد که در آنجا تحصیل می‌کرد، برگشت. انشایی درباره مادر نوشته بود که اشک از چشمان معلم و همکلاسی‌هایش جاری شد. او پس از دریافت دیپلم و قبولی در کنکور در رشته مکانیک، به دانشگاه پلی تکنیک تهران راه یافت. از بدو ورود به دانشگاه با عضویت در انجمن اسلامی فعالیت مبارزاتی‌اش را علیه رژیم پهلوی آغاز و مطالعات و شناخت خود را نیز عمیق‌تر کرد.

■ **بنیانگذار مهندسی جنگ**

او مدتی قبل از آغاز جنگ، برای انجام مأموریتی به یکی از کشورها سفر کرده بود و در شروع جنگ در ایران حضور نداشت. پس از مدتی کوتاه به ایران بازگشت و بدون درنگ به سوی جبهه رهبهار شد. تاریخ اعزامش اول مهر ۱۳۵۹ بود. پس از ورود به خوزستان با همراهی و همفکری سایر افراد، ستاد پشتیبانی جبهه‌های جنگ را که از طرف جهاد سازندگی مسئولیت یاری رساندن به جبهه‌ها را برعهده داشت، تأسیس کرد.

سبب مسئولیت مستقیم تمام عملیات‌هایی را که جهاد سازندگی در جبهه‌های جنوب انجام می‌داد، بر عهده گرفت. با نظارت و هماهنگی وی جاده‌های استراتژیک و نظامی زیادی در جبهه‌های مختلف جنوب کنشیده شد. او در امور تدارک، تبلیغات و تعمیرات خودروهای نیروی سپاه و ارتش خدمات زیادی کرد. مظهر حجی نقش بسیار مؤثری در عملیات دارخوین (که به نام «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» مشهور بود) و عملیات آزادسازی کرخه نور به عهده داشت. به خاطر مسئولیت حساسی که داشت همیشه در خط اول جبهه بود، در حالی که هدایت و هماهنگی خودروهای بزرگ راهسازی را انجام می‌داد، در عملیات سنگرسازی و ایجاد سده‌های طولانی و بلند خاکی نیز شرکت می‌کرد.

او سه روز پس از رفتن به خواستگاری و در روز ۱۱ شهریور سال ۶۰ در منطقه عملیاتی «بستان»، در حال قنوت نماز مغرب از سوی تانکی هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. از محمد تنها سر، نیم‌تنه بالا، دو دست و قسمتی از سینه باقی ماند. پیکرش را با هواپیما به مشهد انتقال دادند و پس از تشییع در بهشت رضای شهر مشهد آرام گرفت.

۳		۸		۲	۱
		۱			۵
۷		۳			
			۱	۸	
		۴			
					۴
		۳			
					۵
				۳	
۸	۷	۵			

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ تا طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه در سه فقط یک‌بار

به کار روند

جدول کلمات متقاطع

■ **پاسخ جدول شماره ۶۸۴۵**

۱	ب	س	ا	د	ا	ص	ا	۷
۷	ا	ص	ا	س	ا	د	ب	د
د	ا	ا	ب	۷	ص	س	ا	ا
۸	د	ب	۷	ا	س	ا	ا	ص
ا	ص	ا	ا	ب	د	ا	۷	س
ا	س	۷	ص	ا	د	ا	ا	ب
ب	۷	د	ا	ص	ا	س	ا	ا
ص	ا	ا	س	ب	ا	۷	د	ا
ص	ا	ا	س	ب	ا	۷	د	ا
س	ا	ا	د	ا	۷	ب	د	ا

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ا	ل	د	ز	ر	ا	ص	ا	د	ا	ص	ا	د	ا
۲	د	ل	ی	ر	د	ر	ا	ا	د	ر	م	ی	ا	ا
۳	م	ک	ا	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن
۴	و	ا	ل	ر	ج	ا	ر	ج	ا	ر	ج	ا	ر	ج
۵	ق	ن	ک	م	ت	ر	ت	ر	ت	ر	ت	ر	ت	ر
۶	د	و	ظ	ی	ف	ا	د	ا	د	ا	د	ا	د	ا
۷	ا	س	ص	ه	ا	ا	و	ا	ا	و	ا	ا	و	ا
۸	ا	س	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر
۹	د	ر	ا	د	س	ا	ا	و	ا	ا	و	ا	ا	و
۱۰	ر	ا	د	س	ا	ا	و	ا	ا	و	ا	ا	و	ا
۱۱	و	ا	ل	ر	ج	ا	ر	ج	ا	ر	ج	ا	ر	ج
۱۲	و	ا	ل	ر	ج	ا	ر	ج	ا	ر	ج	ا	ر	ج
۱۳	ل	و	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ی
۱۴	د	ا	و	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر
۱۵	ت	ا	ی	ش	ب	ی	ا	ن	د	ا	ن	د	ا	ن

از بالا به پایین

■ ۱- انتها- نمونه خروار- لطیفه- ستاره‌ای ریز در دب اصغر ■ ۲- سرسرای بزرگ ورودی- تکل نشده- چه وقت- علمدار کر بلا ■ ۳- تهاجم- زمین بی صاحب ■ ۴- جای لغزش- حرف توفیر- کتاب ابن سینا- پهلوان- از مبطلات روزه ■ ۵- گازی که از آن در دستگا‌ه‌های سردکن استفاده می‌شود- عبادت‌گاه زرتشتیان ■ ۶- هذیان- تفاوت- موت ■ ۷- درخت انگور- آماده و فراهم- نام پدر حضرت ابراهیم- صندلی فرنگی ■ ۸- مکر و حيله- دشنام ■ ۹- درویش را غنیمت است- ربط‌دهنده- سوگ و عزا- یزدان ■ ۱۰- سال آذری- خالق زمان آرزوهای بزرگ- شتر ■ ۱۱- ماده تنظیم‌کننده قند خون- دنبال سرخ می‌گردد ■ ۱۲- عضو رونده- عدد سه رقمی- از آلات موسیقی- نت- بیمار- تکرار حرفی ■ ۱۳- آرزوی خیالی- آگاه ■ ۱۴- ناپدید و از میان‌رفته- دشمن سخت- از آدم بسز شدند و به پیمان‌ه زدند- پایتخت نروز ■ ۱۵- سوره مورچه- ساعت عهد بوق- رگ حیاتی مصر- ایمن